armour [oraːrmər] n. زره پوش

زره پوش فلزی است که سربازان برای محافظت از بدن از آن استفاده می کنند.

→ این سرباز برای محافظت از بدن خود زره پوشیده بود.

آتش

blaze [bleɪz] v شعله ور شدن

شعله ور شدن به معنای سوختن روشن یا قدرتمند است.

soon آتش کوچک به زودی به یک آتش سوزی بزرگ تبدیل شد.

رونق

boom [buːm] v رونق

بوم به معنای ایجاد صدای بلند و عمیق است.

c ترقه سوزها وقتی منفجر شدند ، رونق زیادی گرفتند.

صخره

cliff [klɪf] n. صخره

صخره دیواری بلند و غالباً صاف از سنگ است.

→ گرگ کنار صخره ایستاد و زوزه کشید.

شعله

flame [fleɪm] n. شعله

شعله بخشی از آتش است.

→ مشعل از شعله های آتش زرد و نارنجی پر شد.

استقلال

استقلال [indiˈpendənt] adj. استقلال

استقلال حالت آزاد بودن از کنترل دیگران است.

→ صوفیا پس از ترک خانه احساس استقلال زیادی داشت.

تهاجم

invasion [ˈnˈveɪʒən] n. تهاجم

تهاجم حمله گروهی از كشور دیگر است.

Korea در کره دیوارهایی در اطراف شهرها ساخته شد تا از حملات در امان بمانند.

شوالیه

knight [nait] n. شوالیه

شوالیه سربازی با درجه و مهارت بالا است که معمولاً در خدمت یک پادشاه است.

→ او بهترین سرباز بود ، بنابراین پادشاه او را یک شوالیه کرد.

رعد و برق

lightning [ˈlaɪtnɪŋ] n. رعد و برق

رعد و برق ، نوری روشن است که در هنگام طوفان دیده می شود.

→ برق در بالای آب برق زد.

یاغی

rebel [ˈrebəl] n. یاغی

شورشی شخصی است که برای تغییر دولت با دولت می جنگد.

→ یاغی به اندازه کافی از سیاست های ناعادلانه دولت برخوردار بود.

عقب نشینی

عقب نشینی [rɪˈtriːt] v عقب نشینی

عقب نشینی یعنی فرار ، زیرا در جنگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته ای.

→ ارتش عقب نشینی کرد زیرا آنها در جنگ شکست می خوردند.

انقلاب

Revolution [revəˈluːʃən] n انقلاب

انقلاب تغییر گروهی در سیستم سیاسی است.

→ انقلاب در روسیه منجر به ایجاد اتحاد جماهیر شوروی شد.

نیزه

نیزه [spɪə: r] n نیزه

نیزه چوب بلندی است که در یک سر آن تیغه وجود دارد و از آن به عنوان سلاح استفاده می شود.

→ سرباز نیزه ای در دست داشت.

شیب تند

steep [stiːp] adj. شیب تند

اگر چیزی شیب دار باشد ، شیب یا زاویه آن بالا می رود یا به شدت سقوط می کند.

→ او با دوچرخه خود از تپه شیب دار بالا رفت تا به قله برسد.

اجلاس - همایش

Summit [ʌsʌmɪt] n. اجلاس - همایش

قله بلندترین قسمت یک تپه یا کوه است.

→ برف قله کوه را حتی در تابستان پوشانده است.

رعد و برق

رعد و برق [ˈθʌndə: r] n رعد و برق

تندر صدای بلندی است که در هنگام طوفان شنیده می شود.

→ صدای رعد مرا متحیر کرد.

نیروهای

leşker [truːps] n. نیروهای

سربازان سربازانی هستند که در یک نبرد به صورت گروهی می جنگند.

→ نیروها همه آماده رفتن به جنگ بودند.

جنگجو

warrior [ˈwɔ (:) riə: r] n. جنگجو

یک جنگجو یک سرباز یا مبارز شجاع است.

→ سامورایی ها از ماهرترین جنگجویان جهان باستان بودند.

کنار کشیدن

برداشت [wɪθˈdrɔː] v برداشت

عقب نشینی یعنی ترک مکانی ، معمولاً در زمان جنگ.

→ دشمن پس از شکست در جنگ ، به کشور خود عقب نشینی کرد.

بازده

عملکرد [jiːld] v

به دست آوردن چیزی به معنای کنار گذاشتن کنترل آن و یا بخشیدن آن است.

→ او مجبور شد نوبت خود را تسلیم کند زیرا در یک مادر مادر بود.

طرح شوالیه

شهری برای استقلال خود از کشور دیگری می جنگید. چند شورشی انقلابی را آغاز کردند. با این حال ، آنها از حمله نیروهای زیادی ترسیدند. آنها جنگجویان کافی برای جلوگیری از آنها نداشتند ، بنابراین از یک شوالیه کمک خواستند.

شوالیه نقشه ای کشید. کوهی بلند در بیرون شهر بود. جاده نزدیک به بالا بسیار باریک بود. صخره ها در هر دو طرف آن بلند شدند.

"ما باید دشمن را فریب دهیم. آنها باید ما را تا کوه دنبال کنند. " "در مسیر باریک ، فقط تعداد معدودی می توانند همزمان به ما حمله کنند."

مردم با نقشه شوالیه موافقت کردند.

شوالیه زره خود را پوشید و رزمندگان نیزه های خود را به دست آوردند. هنگام حمله دشمن ، شوالیه و رزمندگان طوری رفتار می کردند که گویی می ترسند. آنها به سرعت به سمت کوه عقب نشینی کردند.

سپاهیان دشمن آنها را در مسیر شیب دار دنبال کردند. به زودی دشمن خسته شد.

در قله ، شوالیه و نیروهایش متوقف شدند. دشمن نزدیک آنها بود. اما حالا آنها خسته شده بودند. همچنین فقط چند نفر می توانستند حمله کنند زیرا مسیر باریک بود. شوالیه و رزمندگان با دشمن جنگیدند. اما تعداد نیروها بسیار زیاد بود.

شوالیه ترسید. اگر رزمندگان مسیر را به دشمن واگذار می کردند ، شهر از دست می رفت.

ناگهان طوفانی بر فراز کوه آمد. باد شدید و باران آمد. تندر رونق گرفت. صاعقه به برخی از درختان نزدیک دشمن برخورد کرد. درختان شعله ور شدند. شعله های آتش دشمن را ترساند و آنها عقب نشینی کردند. آنها از کوه بیرون شهر دویدند و دیگر برنگشتند.

شوالیه توضیح داد ، "با کمی شانس ، یک نقشه خوب حتی یک ارتش بزرگ را شکست می دهد."